

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

دوشنبه ۲۳ تیر ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۵۱

شهردار کرج:

تعامل قضایی و اجرایی،
زمینه ساز توسعه کرج است



«دنیای هوادار» از مرگ خاموش کشاورزی در آمارهای رسمی می گوید؛

بیل را زمین بگذار، آب را باز کن!

آزمون جدید اصناف البرز در بحران انرژی؛
ویترین ها را کم نور کنید،
چهره شهر را روشن تر

تأمین بر بحران پنهان در قلب جنگ ۱۲ روزه؛
بانکها، جان بیماران
را گرو گرفتند!؟



یاد و خاطر شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم جعلی بویژه «محمد حسین قربانپور» گرامی باد



سرمقاله

ایران، باز نانش پیش خواهد رفت

مهدی صالحی

در میانه روزهای پراشویی که گاه صدای مردم در هیاهوی سیاست گم می‌شود، رئیس‌جمهور تازه ایران، مسعود پزشکیان، جمله‌ای گفت که فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی یا تعارف مدیریتی است. او گفت: «زنان، زمینه مناسب‌تر و انگیزه‌های قوی‌تری برای نقش‌آفرینی اجتماعی دارند.» همین یک جمله، اگر درست شنیده و درست پی گرفته شود، می‌تواند آغازگر فصلی نو در نسبت دولت و نیمی از جمعیت ایران باشد.

در فضای سیاسی-اجرایی‌ای که دهه‌هاست زنان یا نادیده گرفته شده‌اند یا در چارچوب‌های تنگ‌نظرانه محدود مانده‌اند، شنیدن چنین جمله‌ای از زبان رئیس‌جمهور نه تنها تازه، که امیدوارکننده است. پزشکیان، برخلاف بسیاری از مدیران پیشین، با صراحت به نقش زنان در حل مسائل اجتماعی اشاره می‌کند و بدون لکت، آن‌ها را بر خوردار از «انگیزه‌های قوی» و «سهم بالا در مشارکت اجتماعی» می‌داند.

این رویکرد، پیش از آنکه سیاسی باشد، یک موضع انسانی و عقلانی است. نگاهی است مبتنی بر تجربه میدانی، شواهد آماری، و فهمی جامعه‌شناسانه از واقعیت ایران امروز. در کشوری که بیش از نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی‌اش را زنان تشکیل می‌دهند و هزاران زن، در گمنامی، بار سلامت، آموزش، توسعه محلی، فعالیت اجتماعی و حتی کارآفرینی را به دوش می‌کشند، نادیده‌گرفتن ظرفیت‌های آنان، نه فقط ظلم است، بلکه ضد توسعه.

پزشکیان اما صرفاً به تحسین زنان بسنده نمی‌کند. او خواهان تغییر نگاه در سیاست‌گذاری‌هاست؛ از نگاه ساختاری و فرمی، به نگاه نتیجه‌محور و هدفمند. می‌گوید: «اگر با صرف منابع فراوان نتیجه نگرفتیم، باید در شیوه‌ها تجدید نظر کنیم.» این سخن، تلنگری است به تمام ساختارهای ناکارآمدی که سال‌هاست با ایجاد نهادهای موازی، شعارهای تکراری، و جلسات بی‌ثمر، انرژی جامعه را به بطالت کشانده‌اند.

نکته درخشان دیگر در سخنان پزشکیان، بازگشت به اصل بنیادین مشارکت مردمی است. او با یادآوری روزهای سخت جنگ، چه ۸ ساله و چه ۱۲ روزه، مردم را «صاحب اصلی میدان» می‌داند. این نگاه، دقیقاً همان چیزی است که ایران امروز به آن نیاز دارد: باوری اصیل به ظرفیت‌های اجتماعی، فارغ از مرزهای جنسیتی، قومی یا عقیدتی. نهایتاً، این موضع رئیس‌جمهور تنها یک پیام دارد: اگر می‌خواهیم از بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عبور کنیم، باید مردم را به صحنه بیاوریم؛ و برای این همراهی، زنان نه فقط بخشی از راه‌حل، که نقطه آغاز آن هستند.

تیراندازی مرگبار در یک کلیسا در آمریکا

پلیس شهر لکسینگتون در ایالت کنتاکی آمریکا در بیانیه‌ای از جان باختن دو نفر در جریان حادثه تیراندازی در یک کلیسای این شهر خبر داد. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از سی‌ان‌ان، در بیانیه پلیس شهر لکسینگتون آمده است: این حادثه پس از آن رخ داد که مظنون ابتدا یک افسر پلیس ایالتی را در نزدیکی فرودگاه بلو گرس هدف گلوله قرار داد و سپس به کلیسای باپتیست جاده ریچموند گریخت. بر اساس این بیانیه، عامل این تیراندازی پس از ورود به کلیسا، در آنجا نیز چندین نفر دیگر را زخمی کرد. پلیس ایالتی کنتاکی و اداره پلیس شهر لکسینگتون اعلام کردند که هم‌اکنون مظنون در محل کلیسا جان باخته است، هرچند جزئیات مربوط به نحوه مرگ او هنوز مشخص نیست.

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۱

دنیای هوادار

رویداد

حرف اول

روایتی از شیب‌نگران‌کننده تغییر اقلیم در منطقه؛

خاورمیانه در مسیر تبخیر!

مهرداد تیموری

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید ندید، شنید یا هشدار نگرفت. تغییرات اقلیمی نه پدیده‌ای ناگهانی است و نه از پشت ابرهای علمی فرود آمده. سال‌هاست که نشانه‌های آن، روی پوست زمین حک شده‌اند: دمای بالا، بارش‌های ناهم‌زمان، خشکسالی ممتد، و حالا گرد و غبارهایی که از زمین خشک‌شده برمی‌خیزند و آسمان را خاکستری و ریه‌ها را خسته می‌کنند.

ایران، در دل منطقه‌ای نشست که به اعتراف کارشناسان، یکی از پرشتاب‌ترین تغییرات اقلیمی جهان را تجربه می‌کند. علی‌محمد طهماسبی بیرگانی، مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، می‌گوید شیب تغییر اقلیم در خاورمیانه از میانگین جهانی بیشتر است. این یعنی ما نه تنها با روندی جهانی همراهیم، بلکه در خط مقدم آن قرار داریم. و این موقعیت، بیش از هر زمان دیگری نیازمند آگاهی، پیش‌بینی و سیاست‌گذاری شجاعانه‌است.

بر اساس بررسی‌های رسمی، امروز بیش از ۲۰ میلیون هکتار از خاک ایران، به کانون غبارخیز دائمی تبدیل شده‌اند. عددی که در سال ۱۳۹۸ برای کل مناطق غبارخیز کشور ۳۴۶ میلیون هکتار برآورد شده بود و حالا تخمین‌های می‌گوید شاید به ۴۶ میلیون هکتار رسیده باشد. پشت این ارقام، واقعیت تلخی نهفته: بخشی وسیع از کشور به طور کامل در حال خروج از چرخه زیستی‌است.

خشکسالی، کم‌بارشی، و تغییر رژیم بارندگی (یعنی جابه‌جایی زمانی بارش‌ها) هم‌اکنون نه فقط کشاورزی و پوشش گیاهی را نابود کرده‌اند، بلکه آلودگی هوا را به

بحران دائمی تبدیل کرده‌اند. تهران، به عنوان قلب تپنده اقتصاد و سیاست، بار دیگر زیر غبار خفه می‌شود. گرد و خاکی که منشأ آن دشت‌هایی چون «ریگ جن» است؛ مناطقی که حتی دیگر گیاه هم در آن دوام نمی‌آورد. از سوی دیگر، بحث منشأ غبارها هم پیچیده‌تر از گذشته شده. در سال‌های اخیر، بخشی از گرد و غبارهای ایران، منشأ خارجی داشته‌اند، به‌ویژه از سمت عراق، سوریه، عربستان و حتی شمال آفریقا؛ اما در ماه‌های اخیر، طهماسبی بیرگانی صراحتاً می‌گوید که منشأ گرد و غبار تهران داخلی بوده است. این یعنی روند بیابان‌زایی و نابودی پوشش گیاهی به چنان مرحله‌ای رسیده که دیگر نیاز نیست طوفان از مرز بگذرد؛ خودمان طوفان‌ساز شدیم.

ماجرای گرد و غبار، فقط ماجرای ریه و تنفس نیست. این پدیده، پیامد زنجیره‌ای دارد: افت کشاورزی، مهاجرت روستاییان، فرسایش خاک، کاهش بهره‌وری زمین، افزایش بیماری‌های تنفسی و در نهایت، ناپایداری اقتصادی در نواحی درگیر. وقتی زمین دیگر سبز نمی‌شود، انسان هم دیگر نمی‌ماند. با این حال، یکی از نشانه‌های مزمن مدیریت بحران در ایران، تضعیف اعتبار علمی گزارش‌هاست. به‌طور نمونه، در روزهای گذشته برخی رسانه‌ها از وجود آرسنیک و سیانور در گرد و غبار تالاب بند علیخان خبر دادند. سازمان محیط زیست این ادعا را فاقد پشتوانه علمی دانست، اما همین تکذیب، به جای اقناع، سوالات بیشتری در افکار عمومی ایجاد کرد: آیا پایش‌های زیست‌محیطی در کشور به اندازه‌ای منظم، شفاف و پاسخ‌گو هستند که بتوان به آن‌ها اعتماد کرد؟ اگر نه، جامعه چگونه باید بفهمد نفس‌هایی که می‌کشد، چه در خود دارند؟

«مکرون» خبر داد: افزایش ۶ میلیارد یورویی بودجه نظامی فرانسه

ما بترسند و برای اینکه از ما بترسند، باید قدرتمند باشیم. رئیس‌جمهور فرانسه همچنین هشدار داد که جنگ روسیه در اوکراین و تنش‌های خاورمیانه امنیت اروپا را در معرض خطر قرار داده و در همین حال، کاهش نقش آمریکا در تضمین امنیت اروپا بر نگرانی‌ها افزوده است.

مکرون در ادامه به توافق اخیر پاریس و لندن اشاره کرد و به فرماندهان ارشد نظامی فرانسه دستور داد تا مذاکرات راهبردی با شرکای اروپایی درباره نقشی که زادخانه هسته‌ای فرانسه می‌تواند در ایجاد چتر دفاعی اروپا ایفا کند را آغاز کنند.

مکرون در سخنرانی سالانه خود در آستانه روز ملی فرانسه (جشن‌های روز باستیل یا چهارده ژوئیه) در جمع نیروهای ارتش این کشور خواستار تشدید تلاش‌های فرانسه برای محافظت از اروپا در برابر تهدیدات جدید و بی‌سابقه شد.

وی تأکید کرد که قصد دارد تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۲۷، بودجه نظامی فرانسه را به ۶۴ میلیارد یورو برساند، رقمی که تقریباً دو برابر بودجه نظامی این کشور در سال ۲۰۱۷ خواهد بود. مکرون در ادامه با بیان اینکه از سال ۱۹۴۵ تاکنون، آزادی هرگز تا این حد به طور جدی تهدید نشده بود، افزود: برای اینکه در این دنیا آزاد باشیم باید از



امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه در اظهاراتی با اشاره به تهدیدهای بی‌سابقه‌ای که امنیت این کشور را تهدید می‌کند، از افزایش ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورویی بودجه نظامی فرانسه در دو سال آینده خبر داد.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از روزنامه لوموند،

«رئیس‌جمهور آلمان»: ترامپ مسئول تشدید تنش‌ها با ایران است

این ترامپ بود که ابتدا این توافق را فسخ کرد و ایران هم متعاقباً برنامه هسته‌ای خود را بیشتر توسعه داد. اشتاین می‌یر در ادامه مدعی شد: در زمان امضای توافق سال ۲۰۱۵ همه طرف‌های درگیر در مذاکرات شامل اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها، روس‌ها و چینی‌ها، توافق کردند که ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد.

از توافق برجام در سال ۲۰۱۸، مسئول افزایش تنش‌های هسته‌ای با ایران دانست. رئیس‌جمهور آلمان که در زمان مذاکرات هسته‌ای با ایران وزیر خارجه این کشور بود با بیان اینکه در سال ۲۰۱۵ پس از مذاکرات طولانی، توافقی در مورد برنامه هسته‌ای ایران امضا شد، ادعا کرد: در آن زمان، ایران فاصله زیادی با قابلیت‌های خطرناک امروزی داشت اما

فرانک والتر اشتاین می‌یر رئیس‌جمهور آلمان در اظهاراتی با اشاره به درگیری‌های اخیر در خاورمیانه تأکید کرد که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مسئول حملات رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران و تشدید تنش‌های ناشی از آن است.

اشتاین می‌یر در گفت و گو با شبکه تلویزیونی زد دی اف، ترامپ را به دلیل خروج یک جانبه



قاچاقچی دارو در البرز پنج میلیارد ریال جریمه شد

مدیرکل تعزیرات حکومتی البرز گفت: قاچاقچی دارو در این استان به پرداخت پنج میلیارد ریال جریمه نقدی محکوم شد. «سلیمان رزاقی» روز یکشنبه اظهار کرد: پرونده قاچاق یک هزار و ۴۵۱ عدد انواع دارو به ارزش چهار میلیارد و ۹۸۱ میلیون ریال در شعبه هفتم بدوی و ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی کرج رسیدگی شد. وی افزود: شعبه باتوجه به مدارک موجود در پرونده، نگهداری و حمل دارو خارج از ضوابط تعیینی دولت، اتهام انتسابی را محرز و علاوه بر ضبط داروهای کشف شده، متخلف را به پرداخت چهار میلیارد و ۹۸۱ میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرد. رزاقی گفت: مأموران پلیس امنیت اقتصادی فرماندهی انتظامی، این محموله را در هنگام گشت زنی از یک دستگاه خودرو به ظن قاچاق کشف و گزارش این تخلف را برای رسیدگی به تعزیرات حکومتی ارسال کردند.

شهردار کرج:

تعامل قضایی و اجرایی، زمینه ساز توسعه کرج است



این مسئول همچنین با اشاره به اهمیت رویکرد پیشگیرانه قوه قضاییه در مدیریت چالش‌های شهری، تعامل میان نهادهای اجرایی و قضایی را ضامن تحقق عدالت شهری، امنیت اجتماعی و توسعه متوازن دانست.

در ادامه این دیدار، رئیس کل دادگستری استان البرز، با تقدیر از اقدامات شهرداری کرج، بر اهمیت نقش مدیریت شهری در ارتقای سطح رضایتمندی عمومی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان تأکید کرد.

حسین فاضلی هریکندی گفت: شهرداری کرج در سال‌های اخیر به‌ویژه در ایام دشوار جنگ ۱۲ روزه ایران با رژیم صهیونیستی با رویکرد جهادی و مسئولانه وارد میدان شد و نقش مهمی در مدیریت بحران و حفظ ثبات اجتماعی ایفا کرد.

این مسئول افزود: این اقدامات قابل تقدیر است و نشان‌دهنده روحیه خدمت‌رسانی و تعهد به مردم در مجموعه شهرداری است. رئیس کل دادگستری استان همچنین بر استمرار همکاری‌های مشترک میان

به مناسبت هفته قوه قضاییه، شهردار کرج با حضور در دادگستری کل استان البرز با رئیس کل دادگستری استان دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار، کیانی ضمن تبریک هفته قوه قضاییه و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای والا مقام عرصه عدالت، از خدمات و تلاش‌های مجموعه قضایی استان البرز در صیانت از حقوق عمومی و پشتیبانی از برنامه‌های توسعه‌ای شهر کرج قدرانی کرد.

وی با اشاره به همکاری نزدیک دادگستری با شهرداری کرج در سال‌های اخیر، به ویژه در زمینه تملک اراضی مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های عمرانی گفت: امروز شاهد پیشرفت قابل توجهی در پروژه‌های زیرساختی، عمرانی و خدماتی شهر کرج هستیم که بدون همراهی و حمایت‌های قانونی، حقوقی و قضایی دستگاه قضایی استان امکان‌پذیر نبود.

شهردار کرج تأکید کرد: مجموعه مدیریت شهری کردان این تعامل اثربخش است و امیدواریم همکاری‌ها همچنان ادامه یابد.

ایمنی ساختمان‌ها باید اولویت مدیریت شهری باشد

مورد ارزیابی دقیق و به‌روزرسانی‌شده قرار گیرند. سخنگوی شورای شهر همچنین بر ضرورت ارزیابی وضعیت زیرساخت‌های شهری از جمله شبکه‌های برق، گاز، سیستم‌های هشدار و امداد رسانی در مواقع بحران تأکید کرد و افزود: ما باید شهر را نه فقط برای امروز، بلکه برای شرایط غیرعادی و بحرانی هم ایمن و مقاوم کنیم. در این مسیر، نقش شورا، شهرداری، سازمان‌های تخصصی و مشارکت مردمی بسیار تعیین‌کننده است.

قاسم‌پور از کمیسیون‌های تخصصی شورا خواست موضوع ایمنی سازه‌ها و آمادگی زیرساخت‌های شهر را در دستور کار فوری قرار دهند.

وی با بیان اینکه در شرایط بحرانی، ایمنی شهری یک الزام است نه انتخاب تأکید کرد: تجربه‌های تلخ نباید تکرار شوند. ایمنی، یک مطالبه عمومی و حق مسلم همه شهروندان کرجی است.

ساخت‌وسازهای شهری و تجربه‌های تلخ اخیر در برخی نقاط کشور و منطقه، بر لزوم بازنگری در وضعیت ایمنی ساختمان‌ها و نظارت مؤثرتر سازمان نظام مهندسی تأکید کرد. سخنگوی شورای اسلامی شهر کرج با اشاره به پیامدهای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اخیر و شرایط بحرانی منطقه، اظهار کرد: در چنین شرایطی، ایمنی ساختمان‌ها و آمادگی زیرساخت‌های شهری دیگر فقط یک موضوع فنی نیست، بلکه به‌عنوان بخشی از امنیت عمومی شهروندان باید دیده شود.

وی با بیان اینکه برخی از ساختمان‌های قدیمی و حتی نوساز در کرج استانداردهای کافی را ندارند، خواستار افزایش نظارت اصولی و جدی‌تر توسط سازمان نظام مهندسی استان البرز شد و گفت: لازم است که تمامی ساخت‌وسازها به‌ویژه پروژه‌های بلندمرتبه و مسکونی در مناطق پرتراکم،



سخنگوی شورای اسلامی شهر کرج با بیان اینکه زیرساخت‌های شهر برابر بحران آماده نیستند بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های نظارتی مدیریت شهری و سازمان نظام مهندسی تأکید کرد.

علی قاسم‌پور با اشاره به اهمیت ایمنی در

مدیریت بحران باید با تمرکز بر آموزش، زیرساخت و پدافند غیرعامل تقویت شود



منعمی با اشاره به اهمیت آموزش نیروهای شهرداری در مواجهه با حوادث گفت: نیروی انسانی آموزش‌دیده کلید مدیریت کارآمد بحران است. بر همین اساس، شورای شهر از هر گونه طرحی که مدیران شهرداری در این خصوص ارائه دهند حمایت می‌کند.

اولویت‌بندی پروژه‌ها با نگاه پدافندی

نایب‌رئیس شورای شهر کرج با اشاره به لزوم بازنگری در پروژه‌های جاری شهری تصریح کرد: بسیاری از پروژه‌های کوچک و کم‌اثر باید کنار گذاشته شوند و بودجه و نیروی اجرایی شهر به سمت پروژه‌هایی هدایت شود که در پایداری و ایمنی شهر تأثیر مستقیم دارد.

وی با تأکید بر نهادهای سازنده فرهنگ پدافند غیرعامل در مدیریت شهری خاطرنشان کرد: پدافند غیرعامل

نایب‌رئیس شورای اسلامی شهر کرج با اشاره به ضرورت آمادگی برابر بحران‌هایی مانند زلزله، آتش‌سوزی و تهدیدات احتمالی، تقویت زیرساخت‌ها، آموزش تخصصی نیروهای انسانی و توسعه پدافند غیرعامل را مهم خواند.

فاطمه منعمی در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی شورای اسلامی شهر کرج با بیان اینکه آموزش، باید مهمترین زیرساخت مدیریت بحران شود، اظهار کرد: مدیریت شهری باید با آینده‌نگری، اولویت را به پروژه‌های زیرساختی و اساسی بدهد تا در زمان بروز بحران، امکان واکنش مؤثر و سریع فراهم باشد.

وی افزود: در شرایطی که کشور با تهدیدات امنیتی متجاوزین مواجه است، تقویت تاب‌آوری شهری به‌عنوان یک راهبرد بلندمدت باید در دستور کار شورا و شهرداری قرار گیرد.

آزمون جدید اصناف البرز در بحران انرژی؛

ویرترین‌ها، اکم‌نور کنید، چهره شهر را روشن‌تر

حمیدرشید

در دمایی که به مرز هشدار رسیده و در روزهایی که ناترازی برق به بحرانی سراسری بدل شده، استان البرز با یکی از مهم‌ترین آزمون‌های زیربنایی خود مواجه است: آزمون بنام «مصرف هوشمند انرژی». این بار نه فقط صنعت و دولت، که واحدهای صنفی - از یک نانواپی ساده تا بزرگترین پاساژ کرج - در معرض انتخابی حیاتی قرار گرفته‌اند: همکاری یا خاموشی.

محمد دادخواه، رئیس اتاق اصناف البرز، در گفت‌وگویی تازه، بر ضرورت صرفجویی بیشتر تأکید کرده است. اما فراتر از تأکیدات رسمی، این هشدار حامل یک واقعیت تلخ است: استمرار بی‌برنامگی در مصرف انرژی، عملاً آینده اقتصادی و زیست‌محیطی استان را تهدید می‌کند. در روزهایی که خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌نشده در کمین هستند، صرفجویی دیگر یک فضیلت داوطلبانه نیست، بلکه به مسئله‌ای در تراز بقا تبدیل شده است.

باید پذیرفت که اصناف سهم قابل‌توجهی از مصرف برق در فضای شهری را به خود اختصاص می‌دهند. روشنایی ویرترین‌ها، تهویه‌های دائمی، یخچال‌ها، تجهیزات برقی متعدد، سیستم‌های امنیتی، نورپردازی شبانه و دهها مورد دیگر، برق را به ستون اصلی تداوم کسب‌وکار تبدیل کرده‌اند. اما همین ستون اگر بدرستی مدیریت نشود، نشتی‌ها فرو می‌ریزد، بلکه شهر را با خود به تاریکی می‌برد. برخی مغازه‌ها همچنان با ریسک‌های روشن، ویرترین‌های پرزور در ساعات تعطیلی، و سیستم‌های سرمایشی تمام‌وقت، از مصرف هوشمند فرسنگ‌ها فاصله دارند. این در حالی است که راهکارهای ساده‌ای مانند خاموش کردن لامپ‌های سردرب هنگام تعطیلی، استفاده از دور کند کولرهای آبی، تنظیم دمای یخچال‌ها و کولرها، و حذف لوازم پرمصرف از ساعات پیک (۱۲ تا ۱۶) می‌تواند اثر قابل‌توجهی در کاهش بار شبکه داشته باشد.

وقتی صرفه‌جویی، «تکلیف اجتماعی» است

گرمای بی‌سابقه و خشکسالی‌های مکرر، بر همگان روشن کرده که بحران انرژی در ایران، دیگر صرفاً نتیجه تحریم یا بی‌برنامگی نیست؛ بلکه مسئله‌ای ساختاری‌ست که با سبک زندگی، شیوه مدیریت شهری و مصرف روزمره مردم گره خورده است. اصناف - به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های زیست روزمره شهروندان - نقشی کلیدی در این بازاریابی دارند. اگر واحدهای صنفی به جای مصرف‌گرایی نمادین و تبلیغات پرزور، به سمت مدیریت پایدار انرژی بروند، نشتی‌ها از هزینه‌های خود می‌کاهند، بلکه مشارکتی واقعی در کنترل بحران ملی انجام داده‌اند. روشنایی کمتر، لزوماً به معنای فروش کمتر نیست؛ همان‌طور که سرما و رفاه بیش از حد مصنوعی، الزاماً رضایت مشتری را تضمین نمی‌کند.

آینده روشن، با نور کمتر

اگر امروز اصناف البرز همراهی نکنند، فردا نشتی‌ها مشتری نخواهند داشت، بلکه امکان روشن‌کردن فروشگاه هم برای‌شان میسر نخواهد بود. همکاری برای کاهش مصرف انرژی، صرفاً توصیه‌ای دولتی نیست، بلکه الزام اقتصادی و اخلاقی‌ست برای پایداری شهری. شهر هوشمند از دل همین رفتارهای کوچک ساخته می‌شود؛ از خاموش‌کردن یک لامپ اضافه تا تبدیل کولر گازی به آبی. در این میان، رسانه‌ها، نهادهای مردمی و اتحادیه‌ها باید مشارکت کنند تا این حرکت مقطعی به فرهنگ بلندمدت بدل شود. اگر البرز بتواند الگویی از همراهی اصناف با اهداف انرژی شود، این موفقیت می‌تواند در سایر استان‌ها نیز بازتاب یابد.

در نهایت، مشارکت اصناف در کاهش مصرف برق، بیش از آن‌که یک «تعهد اداری» باشد، نشانه‌ای از بلوغ شهری و مشارکت اجتماعی‌ست. در عصر بحران‌های زنجیره‌ای، صرفجویی نشتی‌ها جان شهر را نجات می‌دهد، بلکه اقتصاد کوچک هر واحد صنفی را نیز از آسیب‌های خاموشی حفظ می‌کند. این بار، نوبت ماست که هوشمندانه برق مصرف کنیم تا خاموشی، انتخاب ما نباشد.

بررسی راهکارهای ارتقای

کیفی خروجی تصفیه‌خانه‌ها

در راستای بهبود عملکرد تصفیه‌خانه‌های فاضلاب کشور، جلسه‌ای مشترک با حضور مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و جمعی از مسئولان معاونت محیط‌زیست انسانی برگزار شد.

به گزارش «دنیای هودار»، به نقل از سازمان حفاظت محیط زیست؛ جلسه‌ای مشترک با حضور مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و جمعی از مسئولان معاونت محیط‌زیست انسانی برگزار شد. محور اصلی این نشست، بررسی راهکارهای ارتقای کیفی خروجی تصفیه‌خانه‌ها و توسعه همکاری‌های علمی، اجرایی و بین‌بخشی بود.

در این جلسه، ضمن ارزیابی وضعیت موجود تصفیه‌خانه‌های فاضلاب در سطح کشور، بر ضرورت به‌روزرسانی فناوری‌های مورد استفاده در فرآیند تصفیه تأکید شد.

همچنین استفاده از ظرفیت‌های علمی و تحقیقاتی کشور، بهره‌گیری از توان بخش خصوصی و تقویت زیرساخت‌های نظارتی و پایشی، از جمله موضوعات کلیدی مطرح‌شده در این نشست بود.

طرفین همچنین با مرور پروژه‌های موفق داخلی، بر اهمیت پایش مستمر کیفیت پساب، انطباق آن با استانداردهای زیست‌محیطی و استفاده بهینه از پساب تصفیه‌شده در حوزه‌هایی نظیر کشاورزی، صنعت و تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی تأکید کردند.

در پایان جلسه، مقرر شد کارگروهی تخصصی با مشارکت نمایندگان شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و معاونت محیط‌زیست انسانی تشکیل شود تا زمینه تدوین یک برنامه اجرایی مشترک برای ارتقای کیفیت خروجی تصفیه‌خانه‌های فاضلاب فراهم شود.

این نشست، گامی مهم در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار، حفظ منابع آبی و ارتقای سطح بهداشت و سلامت عمومی ارزیابی می‌شود.

دستگیری سارق ۱۷ فقره

خودرو در تهران

سرکلانتر دوم پلیس پایتخت از دستگیری یک سارق خودرو خبر داد و گفت: متهم در حال سرقت بود که دستگیر شد. به گزارش «دنیای هودار»، سرهنگ محمد افشار، سرکلانتر دوم پلیس پایتخت گفت: روز گذشته مأموران کلانتری ستارخان در حال گشت‌زنی در حوزه استحفاظی خود بودند که فردی را در حال تخریب در یک خودروی سواری پارک شده در کنار خیابان مشاهده و برای دستگیری وی اقدام کردند.

این مقام انتظامی عنوان کرد: متهم که خودروی پلیس را مشاهده کرده بود سعی کرد با استفاده از تاریکی هوا از محل فرار کند که این اقدام به تعقیب و گریزی نه چندان طولانی منجر شده و در نهایت مأموران موفق به دستگیری وی شدند.

وی افزود: متهم به همراه ابزار سرقت به کلانتری منتقل شد و در بازجویی‌های انجام شده به جرم خود مبنی بر سرقت خودرو اعتراف و همچنین به ۱۷ فقره سرقت گیشین نیز اقرار کرد.

بنابراین گزارش، متهم با تکمیل پرونده برای رسیدگی قضائی به دادسرا منتقل شد.



محیطبان «زاوه» خراسان رضوی هدف گلوله شکارچیان قرار گرفت

«ابوالفضل شعبانی» فرم‌انده یگان حفاظت محیط زیست خراسان رضوی- گفت: عصر دیروز گزارشی مردمی مبنی بر ورود یک گروه شکارچی مسلح غیرمجاز به منطقه شکار ممنوع کلیلاق شهرستان زاوه دریافت شد که بلافاصله مأموران یگان حفاظت محیط زیست زاوه به محل اعزام شد. یک محیط بان در منطقه شکار ممنوع «کلیلاق» شهرستان زاوه این استان، هدف شلیک مستقیم قرار گرفت که منجر به مصدومیت شدید وی شد. در این عملیات مأموران پس از پایش و دوربین‌کشی منطقه، موفق به شناسایی ۲ شکارچی مسلح شدند. وی اظهار کرد: در جریان عملیات دستگیری، مأموران با رعایت ضوابط قانونی به متخلفان فرمان ایست دادند، اما متأسفانه شکارچیان به سمت محیط‌بانان شلیک کرده و یکی از گلوله‌ها به ناحیه بازوی چپ یکی از محیط‌بانان اصابت کرد و منجر به جراحت شدید وی شد.

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ شماره ۱۸۵۱

دنیای هودار

جمعه

سلامت

تأملی بر بحران پنهان در قلب جنگ ۱۲ روزه؛

بانک‌ها، جان بیماران را گرو گرفتند!

ایمان روزبهبانی

در میان هراس‌های جنگ و سایه سنگین التهاب، زنجیره توزیع دارو در ایران کاری کرد کارستان. در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه، با وجود تشدید ناامنی، اختلال در جابه‌جایی‌ها و فشار روانی شدید بر مردم، نه تنها کمبودی در اقلام دارویی حیاتی حس نشد، بلکه تأمین دارو در سکوت و بدون هیاهو ادامه یافت. اما آن‌سوی این تحرک، پشت صحنه‌ای وجود داشت که کمتر دیده شد؛ جایی که شبکه پخش، بی‌هیچ حمایتی، تنها و خسته، بار سلامت کشور را به دوش کشید و بانک‌ها، که باید همراه می‌بودند، بر این دوش زخمی سنگینی کردند. عملکرد نظام بانکی در این بحران، نه تنها حمایتگر نبود، بلکه به‌روایت بسیاری از فعالان صنعت دارو، به مانعی تبدیل شد؛ مانعی خطرناک، کندکننده و گره‌انداز. از بلوکه‌شدن حساب‌ها گرفته تا باطل‌شدن تخصیص ارزهای دارویی، از قطع سرویس‌های بانکی گرفته تا ناتوانی در جابه‌جایی منابع مالی، بانک‌هایی چون سپه و پاسارگاد نفع‌انداز در کنار زنجیره پخش نبودند، بلکه آن را به آستانه‌ی اختناق مالی رساندند.

رئیس هیأت مدیره انجمن پخش دارو و مکمل ایران، صراحتاً اعلام کرده که بخشی عمده‌ای از گرفتاری‌های امروز شرکت‌های دارویی، نه ناشی از جنگ، بلکه نتیجه مستقیم رفتار سیستم بانکی بوده است. تخصیص ارز صورت گرفته، اما بانک نتوانسته منابع را جابه‌جا کند. حساب‌ها فعال بوده‌اند، اما امکان انتقال پول وجود نداشته. بانک مرکزی بدون توضیح، تخصیص را لغو کرده و شرکت‌ها را در میان راه رها کرده است.

مسئله اینجاست که فعالان دارویی در میانه بحران، ناچارند دارو را با چک‌های مدت‌دار در اختیار داروخانه‌ها قرار دهند. اما همین داروخانه‌ها نیز غالباً با تأخیر در

پرداخت مواجه‌اند، موضوعی که شرکت‌های پخش را مجبور به دریافت وام‌های بانکی برای چرخاندن نقدینگی می‌کند. حال، در چنین شرایطی، وقتی بانک‌ها از پاسخ‌گویی شانه خالی می‌کنند و حساب‌ها را بلوکه می‌نمایند، کدام منطق اقتصادی باید این ساختار را سرپا نگه دارد؟

در قلب این بحران، یک تناقض دردناک وجود دارد: زنجیره توزیع باید هم به داروخانه مهلت دهد و هم به تأمین‌کننده تعهد دهد، اما هیچ‌کدام حاضر نیستند از موضع خود کوتاه بیایند. از طرفی دولت خواهان تعویق در وصول چک‌هاست، از سوی دیگر شرکت‌ها در معرض انبوهی از تعهدات مالی قرار دارند. و این‌همه در شرایطی رقم می‌خورد که بانک‌ها در بدترین وضعیت ممکن، سکوت کرده‌اند.

هاشمی از تجربه عینی‌اش سخن می‌گوید: چک‌هایی که در بانک‌های سپه و پاسارگاد نگهداری می‌شوند، هنوز پس از روزها و حتی هفته‌ها به حساب نیامده‌اند. شرکت‌هایی که باید سر ماه حقوق کارمندان‌شان را بدهند، به تأمین‌کننده پاسخ‌گو باشند و در عین حال بار بحران را نیز به دوش بکشند، حالا از سوی همان نهادی رها شده‌اند که باید در کنارشان می‌بود؛ اما درد ماجرا اینجاست که تصمیم‌گیری که از «تعویق پرداخت» حرف می‌زنند، غالباً نه تجربه‌ای از کاسی داشته‌اند، نه از چک برگشتی ترسی چشیده‌اند، نه درک دقیقی از چرخش پول در زنجیره تأمین دارند. واقعیت این است که برای تصمیم دربار پخش دارو، باید ابتدا از درک واقعیت آن آغاز کرد. / مسئله، تنها بحران فعلی نیست؛ موضوع مهم‌تر، تکرار این الگوی واژگون در آینده است. اگر قرار باشد در هر بحران، شبکه توزیع دارو روی پای خود بایستد و سیستم بانکی در بدترین حالت، فعالیت‌هایش را تنها بگذارد، هیچ آینده‌پایداری در حوزه تأمین سلامت

استقبال از اسکیت‌بازان سرافراز اصفهانی

اصغر قلندری

اسکیت‌بازان اصفهانی در رقابت‌های جهانی اسکیت ایتالیا خوش درخشیدند و با دستی پُر به کشور برگشتند.

روز شنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۴، قهرمانان مدال‌آور اصفهانی پس از حضور موفق در مسابقات اسکیت کاپ جهانی میلان ایتالیا، وارد اصفهان شدند و در ترمینال اتوبوسرانی کاوه مورد استقبال گرم مسئولان قرار گرفتند. در این مراسم، محسن تابش‌فر معاون توسعه ورزش اداره کل ورزش و جوانان استان، حمید صالحی سرپرست گروه توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، عباس مرادیان رئیس اداره ورزش و جوانان شهر اصفهان، و اعضای هیأت اسکیت استان حضور داشتند.

تیم اسکیت اینلاین فری استایل ایران در شاخه اسپیداسلalom، در جریان این رقابت‌ها موفق به کسب ۳ مدال طلا، یک نقره و ۳ مدال برنز شد.

پیش‌تر و پیش از اعزام تیم ملی اسکیت آزاد به ایتالیا، نگارنده در گزارشی به قدمت و جایگاه درخشان اسکیت‌بازان اصفهانی به‌ویژه در سایه مدیریت موفق شهرام اکبری اشاره کرده بود؛ مدیریتی که نقش پررنگی در کسب ۵ سکوی از مجموع ۶ سکوی رقابت‌های

انتخابی تیم ملی داشت، به‌ویژه در بخش بانوان که فراتر از انتظار ظاهر شدند.

البته نباید زحمات رؤسای پیشین هیأت اسکیت استان اصفهان در سال‌های گذشته را نادیده گرفت؛ چرا که ثمره تلاش‌ها و خدمات ارزنده آنان امروز به بار نشسته و زمینه‌ساز پیشرفت اسکیت در سطح ملی شده است. به‌گونه‌ای که امروز، اسکیت استان اصفهان نفع‌انداز در رقابت‌های قهرمانی کشور و آسیا، بلکه در آوردگاه جهانی میلان نیز با نتایجی درخشان می‌درخشد.

کسب سه مدال طلا، یک نقره و دو برنز از سوی قهرمانان اصفهانی در مسابقات اسکیت کاپ جهانی میلان، گواهی روشن بر این حقیقت انکارناپذیر است. به هر روی، رقابت‌های جام جهانی اسکیت فری استایل بادرخشش ورزشکاران اصفهانی به پایان رسید و کاروان کشورمان با دو نشان طلا، یک نقره و دو برنز، برگ زرین دیگری بر افتخارات اسکیت ایران افزود؛ افتخاراتی که نشان می‌دهد اسکیت اصفهان، امروز از جایگاهی ممتاز در ورزش کشور برخوردار است.

در این رقابت‌ها، امیرمحمد سواری و رضا لسانی، قهرمانان اسکیت فری استایل کشورمان، موفق به کسب مدال‌های طلا و نقره در رده سنی پسران بالای ۱۹ سال

نصف جهان



شدند. در بخش بانوان نیز، کیمیا کریمی در رده زیر ۱۹ سال به مدال برنز رسید و در رده سنی دختران بالای ۱۹ سال، رومینا سالک با درخشش خیره‌کننده‌ای طلا گرفت و ترانه احمدی نیز مدال برنز را از آن خود کرد. کاروان اسکیت ایران که در مجموع با ۷ مدال این مسابقات را به پایان رساند، پس از ۱۳ روز حضور در رقابت‌ها و عبور از مسیر پرورزی شارجه و مشهد مقدس، سرانجام وارد اصفهان شد و مورد استقبال گرم مسئولان اداره کل ورزش و جوانان استان و شهر قرار گرفت.

شایان ذکر است که تمامی مدال‌آوران ایرانی در مسابقات جهانی اسکیت میلان، ورزشکاران اصفهانی بودند.



قابل تصور نیست.

در بحران اخیر، از تهران گرفته تا سیستان و بلوچستان، تصمیم‌گیری‌ها یک‌دست و بدون تحلیل بودند. دستور تعویق پرداخت، در تمام استان‌ها اجرا شد؛ بی‌توجه به این‌که در بسیاری از آن‌ها بحران عملاً رخ نداده بود. مگر سلامت، یک معادله ثابت است؟ مگر همه کشور در یک وضعیت مشابه قرار دارد؟ این پرسش، پاسخی فوری و کارشناسی می‌طلبد. در چنین شرایطی، درخواست انجمن پخش برای گفت‌وگوی مستقیم با فعالان واقعی حوزه دارو، نه یک خواهش، بلکه ضرورتی اساسی است. اینکه ۷ تا ۱۰ نفر از مدیران باتجربه این حوزه، تجربه واقعی خود را به گوش تصمیم‌گیران برسانند، شاید بتواند مقدمه‌ای باشد برای ترمیم زنجیره‌ای که در هر بحران تازه، بیشتر زخمی می‌شود.

در نهایت، زنجیره تأمین دارو نشان داد که می‌تواند حتی در تاریکی، کار خود را انجام دهد. شب و روز نداشتند، در میانه ترس و ناامنی، دارو رساندند، زنجیره را زنده نگه داشتند. اما اگر قرار باشد پشت این تلاش، جز فشار بانکی و بی‌توجهی حاکمیتی چیزی نباشد، فرداهایی نه چندان دور، همین زنجیره به زمین خواهد خورد. آن وقت، هیچ تخصیص ارزی، هیچ داروی انباشده‌ای، و هیچ بانک بازشده‌ای نمی‌تواند جان از دست‌رفته را بازگرداند.





حجت الاسلام اختری رئیس ستاد بزرگداشت هفته وحدت شد

رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی طی حکمی حجت الاسلام «محمدحسن اختری» را به عنوان رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت هفته وحدت و گرامی داشت هزار و پانصدمین سالگرد ولادت نبی مکرم اسلام (ص) منصوب کرد.

در این حکم آمده است: براین اساس، نظر به مراتب علمی، اجرایی و تعهد جنابعالی به آرمان‌های والای اسلامی و وحدت، همبستگی و انسجام امت، انتظار می‌رود در مسئولیت «رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت هفته وحدت و گرامی داشت هزار و پانصدمین سالگرد ولادت نبی مکرم اسلام (ص)» موفق و موید و منشا آثار خیر باشید و با رویکردهای برنامه‌ای نوآورانه و فراگیر در محافل فرهنگی، علمی و تبلیغی کشور از خرد جمعی نخبگان و تعامل حداکثری با همه نهادهای تأثیرگذار داخلی و بین‌المللی و مشارکت فعال جوانان، بانوان، نخبگان و کانون‌های مردمی و گفت‌وگوی بین‌نسلی و مواجهه خلاق با مسائل روز جهان اسلام بهره‌گیری کنید.

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۱

دنیایک سوادار

فرهنگ

دست‌به‌نقد

از بروکلین ناموج‌نو؛

چگونه یک عکاس آمریکایی، فرانسه را تکان داد؟



مینامعصومی

«واقع‌گرایی سینما از سرشت عکاسی آن منشاء می‌گیرد».

این جمله‌ای است که بازن در کتاب «سینما چیست؟» درباره رابطه بین پرده سینما و واقع‌گرایی می‌گوید. فیلم «فراری کوچک» ساخته موریس انگل با همراهی همسرش روث ارکین و ریموند ابراشکین- را می‌توان نمونه‌ای در تصدیق این ایده در نظر گرفت. موریس انگل پیش از ساختن «فراری کوچک» یک عکاس بود. عکاسی که در خیابان‌های بروکلین قدم می‌زد و به ثبت لحظات واقعی علاقه داشت. او در جنگ جهانی دوم به‌عنوان عکاس جنگی به ارتش آمریکا پیوست و بعد از پایان جنگ، در نیویورک کلاس عکاسی راه انداخت و به تدریس مشغول شد.

کلاس عکاسی او بر پروژه‌های گروهی با محوریت تأثیر جنگ بر نیروهای کارگری تمرکز داشت و خودش شخصاً این پروژه و هنرجویانش را هدایت می‌کرد. باتوجه به این پیشینه، می‌توانیم ریشه‌های گرایش به ناتورالیسم و نئورئالیسم را راحت‌تر در آثار موریس انگل ببینیم. احتمالاً در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، وقتی دسیکا و ویسکونتی در ایتالیا درحال ساختن آثاری ماندگار با رویکرد نئورئالیستی بودند، موریس انگل در آمریکا، سر کلاس‌های عکاسی‌اش همان نگاه و رویکرد را به هنرجویانش می‌آموخت و آن‌ها را به ثبت واقعیت‌های خیابانی و عکس‌برداری از طبقات محروم و کارگر در آمریکا تشویق می‌کرد. حال گویی پس از آنکه رساله خود را در دنیای عکاسی انجام داد، در سال ۱۹۵۳ با ساختن «فراری کوچک» به دنیای سینما پا گذاشت تا نگاه واقع‌گرایانه متفاوت خود را به مخاطبان سینما نیز معرفی کند.

«فراری کوچک» داستان پسرپچه‌ای به نام جویی است که با مادر و برادر بزرگ‌ترش [لنی- زندگی می‌کند. لنی دائم درحال بدرقتاری و سرکوب شیطنتها و خواسته‌های جویی است اما جویی در عالم کودکانه خودش غرق است و توجهی به رفتارهای لنی ندارد. درست زمانی که لنی قرار است با دوستانش تولدش را در پارک ساحلی جشن بگیرد، مادر به او مسئولیتی جدید و تحمل‌ناپذیر می‌دهد: مراقبت از جویی. مادر برای کاری شهر را ترک می‌کند و حالا لنی مانده با برادر کوچک‌ترش که بدجور اعصاب او را به‌هم می‌ریزد.

لنی و دوستانش تصمیم می‌گیرند برای خلاص شدن از دست جویی، بازی کودکانه‌ای راه بیندازند؛ اسلحه‌ای خالی به دستش بدهند و وانمود کنند که او به برادرش شلیک کرده و باعث مرگ او شده و در آخر او را فراری بدهند. فیلم از این نقطه به بعد روایتگر گریز جویی کوچک است. حالا او فراری کوچک ماست که تصور می‌کند مسبب مرگ برادرش است. حالا چه راهی پیش پای او قرار دارد؟ اگر بنا را بر فیلم‌های ژانر تعقیب و گریز بگذاریم، قرار است سرنوشت دردناکی پیش روی جویی باشد و در مسیر تعقیب‌و‌گریز احتمالی‌اش از دست پلیس، سختی‌های زیادی بکشد. اما یادمان باشد ما اینجا با فراری کوچکی طرفیم پس تمام این فرض‌ها را باید کنار گذاشت، چون جویی کوچک داستان انگل، بجای فرارکردن، رفتن به یک شهرسازی را برای سرگرم‌شدنش انتخاب کرده است. حالا شاهد پرسه‌زنی‌های جویی با پول اندک در جیبش، در یک کارناوال بازی هستیم.

پرسه‌زنی جویی کوچک در کارناوال بازی را نباید دست‌کم گرفت. چه بسا پرسه‌زنی‌های او رقم‌زننده پرسه‌زنی‌های مهم تاریخ سینما مثل پرسه‌زدن آنتوان در «۴۰۰ ضربه» تروفو باشد. آنتوان و جویی را می‌توان بسیار نزدیک به هم دانست گویی کاراکتر آنتوان می‌تواند امتداد جویی کوچک باشد. به سرخوشی و خلاصه‌شدن جهان جویی در شهرسازی نگاه کنیم، خصوصاً وقتی سوار بازی اسب‌های گردان شده و با ذوقی کودکانه دست‌هایش را از هم باز کرده و قهقهه می‌زند. حالا آنتوان را به یاد بیاوریم زمانی که قید رفتن به مدرسه را می‌زند و با پول توجیبی‌اش سوار یک وسیله بازی می‌شود که او را تا سرحد مرگ می‌چرخاند و چهره هیجان‌زده او که دست‌هایش را به دیواره وسیله بازی تکیه داده و می‌خندد. یا علاقه هر دو کاراکتر به اسب، گواه دیگری است بر شباهت‌های بین آن‌ها. جویی در فیلم بارها و بارها به علاقه‌مندی‌اش به اسب‌ها اشاره می‌کند و در شهرسازی سراغ اسب‌سواری و وسایل بازی شبیه اسب می‌برد. آنتوان نیز در صحنه‌ای که با دوستش به اتاق کار پدر او می‌رود با دیدن مجسمه اسب ذوق می‌کند و با حالتی مسحور به سر و روی اسب دست می‌کشد. پس بی‌دلیل نیست که این اثر توسط تروفو چنین ستایش می‌شود در حدی که او موج نوی فرانسه را مدیون آن می‌داند.

اما شباهت کاراکترهای «فراری کوچک» و «۴۰۰ ضربه» تنها دلیل تأثیر مهم این فیلم بر جریان موج نو نیست. انگل با عملی‌کردن ایده‌های خلافت‌اش، دریچه‌های جدید را چه در فرم و چه در روایت به روی سینماگران پس از خود باز کرده؛ مثلاً او «فراری کوچک» را با دوربین ۳۵ میلی‌متری روی دست ضبط کرده است؛ فرمی که بعدها بسیار به‌کار سینماگران موج نو و آوانگارد آمد. دوربین روی دست انگل به‌علت کوچک و سبک‌بودنش به‌خوبی توانسته بین جمعیت رود و جزئیات را در طبیعی‌ترین حالت خود ضبط کند. برای مثال صحنه‌ای که جویی را در ایستگاه قطار لابه‌لای جمعیت نشان داده، دوربین روی دست به‌خوبی توانسته حس سرگردانی و تشویش جویی بین جمعیت را انتقال دهد، گویی این مواجهه‌ای از جهان بازیگوش و کودکانه جویی با جهان بزرگسالان در تکاپوست.

استفاده از تکنیک voice over که در ابتدای فیلم توسط جویی و لنی بکارگرفته‌شده از نکات تأثیرگذار بر فیلم‌های موج‌نوست که بعدها در فیلم‌های ژانر لوک گدار قابل مشاهده است.

سکانس مهمی در «فراری کوچک» وجود دارد که در آن جویی به بازی ضربه‌زدن به توپ با یک چوب بیسبال مشغول است. در حین بازی دوربین حرکات او را از مقابل نشان می‌دهد و جویی در حین پرتاب هرچه محکم‌تر توپ‌ها، چندباری نگاهش به دوربین می‌خورد. اما این نگاه تعمدی است؟ باید گفت بله... اگر دقت کنیم با هر پرتاب توپ توسط جویی، دوربین هم بوضوح تکان می‌خورد، گویی دوربین هم مانند جویی در تقلا و حرکت است. این را می‌توان ترفندی برای شکستن دیوار چهارم دانست که بعدها در سینمای موج نو بارها بکار رفته تا فاصله بین مخاطبان و اثر را از میان بردارد و حس تداوم و پیوستگی جهان فیلم را برای آن‌ها بشکند. نکته دیگر اینکه انگل با تأثیر از جریان نئورئالیست سینمای ایتالیا سراغ نابازیگران رفته، آن هم در بحبوحه دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی سینمای آمریکا که بازار ستاره‌های

هالیوود بسیار گرم بوده و استفاده از نابازیگران در فیلم عملی مرسوم نبوده است. استفاده از نابازیگران با واکنش‌هایی طبیعی در چهره آن‌ها در «فراری کوچک» موروث سینمای ایتالیا برای انگل است که او نشان داده امانت‌دار خوبی است و توانسته آن را به نسل موج نوی فرانسه هم انتقال دهد. فیلم در انتخاب و نمایش لوکیشن نشان می‌دهد گاهی واقع‌گرایی مکانی می‌تواند بر زرق‌وبرق میزانش‌های مرسوم هالیوود در آن دهه‌ها، غلبه کند. همانطور که آغاز متن گفتیم این واقع‌گرایی میراث سرشت عکاسی موریس انگل است. گرچه واقع‌گرایی در سینما، به‌منظور انتخاب لوکیشن‌های محدود و واقعی یا ساختن فیلم مستند نیست، اما موریس انگل حتی این نکته را هم برای ساختن «فراری کوچک» رعایت می‌کند تا اثری ناب و خالص براساس واقع‌گرایی محض بیافریند. می‌توان گفت انگل کوشیده تا در «فراری کوچک» نمایشی از واقعیت یا حداقل واقعیت موجهی را به تماشاگر نشان دهد که تا حد امکان با واقعیتی که خودشان تجربه می‌کنند، انطباق و همخوانی داشته باشد.

رد تأثیر فرم روایی «فراری کوچک» را نباید تنها به «۴۰۰ ضربه» تروفو محدود دانست، بلکه می‌توان ردپای آن را در آثار متأخرتری در سینما مشاهده کرد. عذاب وجدان کودکانه جویی از به قتل رساندن نمایشی برادرش، شبیه بار گناهی است که آقای کوچک در فیلم «پروورش کلاغ» اثر کارلوس سائورا با خود حمل می‌کند. بار گناه و رنجی که در اثر سائورا به نوعی شاعرانگی و تمثیل منتهی شده و در فیلم انگل به بازیگوشی کودکانه و پرسه‌زنی می‌رسد. کودکانی که تنها در خانه رها شده‌اند و مسئول حمایت و نگهداری از یکدیگرند را هم می‌توان در اثر «هیچکس نمی‌داند» کورنیدا به‌خوبی مشاهده کرد. کودکانی که زودتر از سن خود بزرگ شده‌اند و مسئولیتی فرای جثه و توانشان به آن‌ها تحمیل شده است.

در همان ابتدای «فراری کوچک» مادر این نکته را به لنی گوشزد می‌کند که با نبودن پدر، حالا اوست که مرد خانه است و باید مسئولیت خانواده و برادر کوچکش را بپذیرد. پرسه‌زنی‌های جویی و لنی در نیویورک هم بسیار مورد ستایش و الهام سینماگران مستقل آمریکایی از جمله جان کاساتیس قرار گرفته و بعدها این پرسه‌زنی‌ها

در خیابان‌های آمریکا، تبدیل به امضای شخصی او در آثارش می‌شود.

اوضاع برای جویی کوچک همچو آنتوان در «۴۰۰ ضربه» سخت پیش نخواهد رفت. روایت او، روایت بازیگوشی‌هایی سبک‌سرانه و سراسر لذت است و اینجاست که روایت آنتوان و جویی از هم جدا خواهد شد. جویی به خانه برمی‌گردد اما برای پرسه‌زنی‌های آنتوان رستگاری و پایانی شادی در کار نیست و او در تقلا و کشمکش با درون و جهان بی‌رحم بیرون ناکام می‌ماند. با این‌حال می‌توان آنتوان را کاراکتری بزرگسال‌تر و رنجورتر دانست که شاید کودکی‌ای شبیه به جویی کوچک داشته است. به‌این‌جهت اگر این ریزه‌کاری‌ها و جزئیات در فرم و قصه‌گویی در «فراری کوچک» را درنظر نگیریم، شاید اثر برایمان چیزی نباشد جز داستان کودک سرپه‌هویی که در یک کارناوال بازی سر خودش را گرم می‌کند، اما جزئیات و ساختار شکنی‌ها در «فراری کوچک» است که اثری چنان ماندگار خلق کرده که توانسته جریانی تاریخی در سینمای جهان را رقم بزند.

شباهت کاراکترهای «فراری کوچک» و «۴۰۰ ضربه»

تنبه‌دلیل تأثیر مهم این فیلم بر جریان موج‌نویست. انگل با عملی‌کردن ایده‌های خلافت‌اش، دریچه‌های جدید را چه در فرم و چه در روایت به روی سینماگران پس از خود باز کرده؛ مثلاً او «فراری کوچک» را با دوربین ۳۵ میلی‌متری روی دست ضبط کرده است؛ فرمی که بعدها بسیار به کار سینماگران موج نو و آوانگارد آمد. دوربین روی دست انگل به‌علت کوچک و سبک‌بودنش به‌خوبی توانسته بین جمعیت رود و جزئیات را در طبیعی‌ترین حالت خود ضبط کند.

ایرلاین ها چقدر

به مسافران بدهکارند؟

معاون سازمان هواپیمایی کشوری ضمن اعلام اینکه ۶۰۰۰ میلیارد تومان بلیت هواپیما کنسل شد، گفت: بهای حدود ۸۰۰ هزار بلیت هواپیما به مردم مسترد شده و بهای حدود ۳۹ هزار بلیت نیز باقی مانده است. سید حمیدرضا صانعی درخصوص استرداد بلیت مسافرانی که پروازهای آن‌ها لغو شده است، اظهار کرد: موضوع استرداد بلیت پروازهای لغو شده از روزهای اول توسط شرکت‌های هواپیمایی و سازمان هواپیمایی پیگیری شد، اما ۱۲ هزار و ۲۹ پرواز و ۸۳۹ هزار و ۳۸۸ فقره بلیت بود که ارزشی معادل ۶۰۰۰ میلیارد تومان داشت و شرکت‌ها نیز این بلیت را از قبل فروخته و صرف هزینه‌های مختلف کرده بودند.

وی افزود: با این وجود، برای اینکه ایام بر مردم تلخ‌تر نشود، شرکت‌های هواپیمایی از روز اول تمام تلاش خود را برای تامین اعتبار و استفاده از منابع دیگر کردند تا وجوه بلیت این پروازها را به مردم بازگردانند.

معاون هوانوردی و امور بین‌المللی سازمان هواپیمایی کشوری که در یک برنامه تلویزیونی صحبت می‌کرد، تصریح کرد: بر اساس پایشی که داشتیم بهای حدود ۸۰۰ هزار بلیت به مردم مسترد شده و بهای حدود ۳۹ هزار بلیت نیز باقی مانده که عدد کمی نیست؛ بخشی از این موارد عدم بازگشت مربوط به آن‌الس‌هایی است که به دلیل مشکلات مالی و سامانه‌های بانکی هنوز نتوانستند دایر شوند و با مردم ارتباط بگیرند و بخشی نیز مربوط به این است که مردم درخواست دارند به جای مسترد شدن بلیت، پروازهای دیگری جایگزین کنند. با این وجود، کماکان پیگیر هستیم که همه این موارد انجام و رضایتمندی مردم حاصل شود.

وی همچنین وضعیت فرودگاه‌های کشور را تشریح کرد و گفت: همه فرودگاه‌های کشور و همه سامانه‌های ناوبری و زیرساخت غیر نظامی در حوزه صنعت هوانوردی با ظرفیت گذشته فعال هستند و هیچ مشکلی وجود ندارد. فرودگاه تبریز و اصفهان نیز که آسیب جدی دیده بودند با تلاش همکاران کمتر از ۱۰ روز عملیاتی شدند و پاندها احیا شد.

صانعی در پاسخ به اینکه کدام فرودگاه‌های کشور در جنگ تحمیلی دچار خسارت شده‌اند؟ گفت: چهار مورد حمله به بخش غیر نظامی بوده که طبق قوانین بین‌المللی به سازمان هواپیمایی کشوری بین‌المللی گزارش کردیم و این موارد باید به عنوان مداخلات غیر قانونی کشور متخاصم گزارش شود. دو باند فرودگاه تبریز آسیب جدی دید که ترمیم شد. فرودگاه اصفهان هم دچار آسیب شد که آن نیز احیا شد. یکی از سامانه‌های راداری نیز آسیب دید. همچنین یکی از فرودگاه‌های بخش خصوصی آبیگ قزوین هم دچار آسیب شد و حدود ۳۰۰۰ میلیارد تومان خسارت به آنجا وارد شد و اموال مردم نیز از بین رفت.

معاون هوانوردی و امور بین‌المللی سازمان هواپیمایی کشوری در ادامه گفت: فرودگاه مهرآباد آسیبی در بخش غیر نظامی ندیده و با ظرفیت کامل در حال فعالیت است.

وی عنوان کرد: در حال حاضر فقط محدودیت زمانی پروازها وجود دارد که در تمامی فرودگاه‌های غرب کشور اعمال می‌شود و این محدودیت از ۵ صبح تا ۱۸ بعدازظهر است که بنابر دلایلی پروازها در این بازه انجام می‌شود.



زمان برگزاری حراج جدید شمش طلا مشخص شد

مرکز مبادله طلا و ارز ایران اعلام کرد: یکصد و شانزدهمین جلسه حراج شمش طلا روز سه‌شنبه (۲۴ تیر) برگزار خواهد شد.

بر همین اساس متقاضیان خرید شمش طلای مرکز مبادله ایران می‌توانند با واریز مبلغ ۱۰ میلیارد ریال (یک میلیارد تومان) به عنوان وجه‌الضمان به ازای هر قطعه شمش طلا تا ساعت ۲۴ روز دوشنبه (۲۳ تیر)، در یکصد و شانزدهمین حراج این مرکز شرکت کنند. گفتنی است که وزن هر قطعه شمش طلا یک کیلوگرم و با حداقل عیار ۹۹۵ در هزار خواهد بود. همچنین معاملات به روش حراج حضوری و به صورت نقد صورت می‌گیرد.

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۱

دنیای هوادار

«دنیای هوادار» از مرگ خاموش کشاورزی در آمارهای رسمی می‌گوید؛

بیل را زمین بگذار، آب را باز کن!

شده است.

در مقابل این افول، صنعت و خدمات جای خود را بغدیر باز کرده‌اند. صنعت با رشدی نسبتاً آرام، به‌ویژه در روستاها، خود را در قالب کارگاه‌های کوچک، صنایع تبدیلی یا مشاغل فنی تثبیت کرده. اما پدیده اصلی، تسلط روزافزون بخش خدمات است؛ پدیده‌ای که چهره اقتصاد ایران را به‌گونه‌ای بی‌سابقه شکل می‌دهد. امروز، از هر دو شغل در کشور، یکی در حوزه خدمات تعریف می‌شود. در برخی مناطق، این عدد حتی فراتر رفته و نزدیک به ۶۰ درصد از اشتغال را شامل می‌شود.

این جهش خدماتی، برخلاف آنچه ممکن است در نگاه نخست مدرن و امیدوارکننده به‌نظر برسد، الزاماً نشانگر توسعه نیست. بسیاری از این مشاغل، غیررسمی، ناپایدار، کم‌درآمد و بدون بیمه‌اند. از رانندگان تاکسی اینترنتی گرفته تا واسطه‌های مجازی و کسب‌وکارهای خرد خانگی، مشاغلی که به‌جای رشد اقتصادی، بیشتر پاسخ به بحران بیکاری‌اند. این چنین است که خدمات، بیشتر از آنکه موتور رشد باشد، به سوپاپ تخلیه فشار اقتصادی بدل شده است.

از منظر منطقه‌ای نیز، تحول بازار کار دو مسیر کاملاً متفاوت را پیموده است. در شهرها، خدمات همچنان غالب است اما رشدی آرام داشته. در عوض، روستاها شاهد نوعی بازاریابی بوده‌اند؛ صنعت و خدمات در حال بلعیدن کشاورزی‌اند. این تغییر، چیزی فراتر از انتقال نیروی کار است؛ نشانه تغییر سبک زندگی، کاهش وابستگی به خاک، و حرکت به سوی اقتصادهای انعطاف‌پذیرتر - ولو ناپایدار - است.

اما چرا این گذار به شکل فعلی و با چنین تبعاتی رخ داده است؟ پاسخ در ترکیبی از ناکارآمدی حکمرانی، بحران آب، مهاجرت، و بی‌عدالتی منطقه‌ای نهفته است. نبود برنامه‌ای پایدار برای نوسازی کشاورزی، غفلت از آموزش مهارت‌های نوین، تمرکز سیاست‌گذاری در مرکز، و مهاجرت اجباری روستاییان به حاشیه شهرها - همگی حلقه‌های زنجیره‌ای‌اند که امروز کار را به این نقطه رسانده‌اند. در این میان، صنعت نیز گرچه رشدی ملایم داشته، اما نتوانسته نقشی کلیدی در نجات ساختار

فرازاسدی

در دل سرزمینی که روزی دستان پینه‌بسته کشاورزانیش ستون‌های معیشت را نگه می‌داشتند، اکنون الگوی کار و زندگی به‌طرز بی‌سابقه‌ای دگرگون شده است. بازار کار ایران، در هجده سال گذشته، بی‌صدا اما عمیق، پوست انداخته؛ نه از مسیر رونق و خلاقیت، بلکه از گذرگاه خشک‌سالی، ناکارآمدی و ترک روستاها. اشتغال در کشاورزی □ روزگاری ستون فقرات اقتصاد ایران □ با سقوطی تاریخی مواجه شده و از ۲۴ درصد به ۱۴ درصد رسیده؛ کاهشی ۴۰ درصدی که بیش از آنکه ناشی از مکانیزه‌شدن باشد، پیامد بحران آب، مهاجرت و رهاشدگی سیاستی است. این در حالی‌ست که بخش خدمات، امروز نیمی از تمام مشاغل کشور را در خود بلعیده؛ عمدتاً در قالب فعالیت‌هایی ناپایدار، بی‌بیمه و بی‌آیند. بازار کار ایران دیگر نه بر دوش زمین است و نه بر شانه صنعت. پرسش این است: ما با یک گذار طبیعی روبه‌رو هستیم یا با سقوطی بی‌صدا به ورطه‌ای که آینده‌ای برای کار نمی‌گذارد؟ و مهم‌تر: چه کسی مسئول مدیریت این فروپاشی خاموش است؟

همانطور که اشاره شد، سهم اشتغال کشاورزی از ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۴ به حدود ۱۴ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده بود؛ که به‌عبارتی، بیانگر افت بیش از ۴۰ درصدی طی کمتر از دو دهه است! یعنی نزدیک به نیمی از این نیروی کار دیگر در مزرعه و زمین نیستند؛ یا به شهر آمده‌اند، یا در حاشیه زندگی می‌کنند. این کاهش، تنها یک روند عددی نیست؛ نشانه‌ای‌ست از مرگ تدریجی یک شیوه زیستن، یک فرهنگ و یک نوع اقتصاد که از دل خاک و آب و ریشه می‌جوشید.

در بسیاری از مناطق روستایی، که زمانی با صدای موتور پمپ و همهمه فصل برداشت جان می‌گرفتند، امروز سکوت چاه‌های خشک و زمین‌های بایر غلبه دارد. بحران آب، که سال‌هاست هشدارش شنیده می‌شود، اکنون به زبان آمار سخن می‌گوید. کاهش ۲۵ درصدی اشتغال کشاورزی در روستاها، نشان می‌دهد که فاجعه، فراتر از زیست‌محیطی‌بودن، اجتماعی و اقتصادی هم

رقابت شانبه‌شانه بیت‌کوین و طلا روی دور تئد

ایمان خدابنده‌لو

قیمت بیت‌کوین طی روزهای اخیر به‌طور چشمگیری رو به افزایش بوده است؛ رمزآرزی محبوب که رفته‌رفته باید لقب «طلای دیجیتال» را بدکد، زیرا همچون فلز زرد در مقاطع متزلزل و پرابهام، سرمایه‌گذاران را به خود جذب می‌کند.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از «لایومینت» هند، بیت‌کوین پنجشنبه هفته گذشته به سقف تاریخی خود رسید و از ۱۱۸ هزار دلار عبور کرد و حتی یک روز بعد، ساعتی نیز از کانال ۱۱۹ هزار دلار فراتر رفت و در نهایت روی ۱۱۸ هزار و ۷۸۰ دلار آرام گرفت.

این افزایش شدید همزمان با روند نزولی بازار بورس جهان رقم خورد؛ روندی نزولی که پس از تشدید تنش‌های تجاری و تعرفه‌ای تحت تأثیر هشدار دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا نسبت به اعمال تعرفه‌های جدید بر بیش از ۲۰ کشور آغاز شد.

روند صعودی بیت‌کوین همچنین پایان سکون دو ماهه بازار رمزارز بود به طوری که «اثر» نیز تحت تأثیر جهش بیت‌کوین، برای نخستین بار از فوریه تاکنون به بیش از سه هزار دلار رسید.

آنج گوپتا، مدیر موسسه تحقیقاتی - مشاوره‌ای «یا ولت/Ya Wealth Research & Advisory» می‌گوید:

این رکورد (بیت‌کوین) در ببحوجه تخصیص بخشی از خزانه شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری به این رمزارز رقم خورده است. آن‌ها به شدت در حال جمع‌آوری بیت‌کوین هستند. شرکت گیم‌استاپ نیز به تازگی به صف سرمایه‌گذاران بیت‌کوین پیوسته است. در حال حاضر بیت‌کوین در مواجهه با ابهامات از جمله جنگ، تعرفه‌های تجاری و بی‌ثباتی سیاسی به یک سرمایه امن همچون طلا بدل شده است.

سوکاندها ساجدوا، بنیانگذار موسسه تحقیقاتی «ss wealthstreet» بر این باور است که رفته‌رفته باید لقب «طلای دیجیتال» را به بیت‌کوین بدهیم.



اقتصاد

داستان جلد



اشتغال ایفا کند. رشد آن بیشتر در قالب صنایع کوچک و محلی بوده، نه جهش تولید. فقدان سرمایه‌گذاری‌های کلان، پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، و تورم ساختاری، مانع از آن شده‌اند که صنعت بتواند مانند کشورهای در حال توسعه دیگر، ستون جدید اشتغال باشد.

همه این‌ها در حالی رخ می‌دهد که ایران با بحران‌های هم‌زمانی همچون تورم بالا، رکود، مهاجرت نخبگان، و آسیب‌های محیط‌زیستی روبه‌روست. از این منظر، بازار کار بیش از آنکه بازتاب‌دهنده تغییرات درونی اقتصاد باشد، آئینه شکست‌ها و فرصت‌سوزی‌های متوالی است. با این حال، نمی‌توان و نباید آینده را تیره مطلق دید. ظرفیت گسترش فناوری اطلاعات، توسعه گردشگری بومی، استفاده هوشمند از منابع آبی با روش‌های نوین، و آموزش مهارت‌های نو به نسل جوان، می‌تواند این بازار کار را از بی‌ت‌بسی بیرون بکشند. اما این مسیر، نه از شعار و طرح‌های مقطعی، بلکه از سیاست‌گذاری‌های دقیق، مشارکت‌محور و منطقه‌گرا عبور می‌کند.

اکنون زمان آن رسیده است که سیاست‌گذاران، به‌جای خیره‌شدن به آمارهای رشد سطحی، به عمق تغییرات نگاه کنند. کاهش اشتغال در کشاورزی، افزایش ناپایدار مشاغل خدماتی و بی‌سهمی نسبی صنعت، هشدارهایی‌اند که اگر نادیده گرفته شوند، فردای بازار کار ایران، بی‌ثبات‌تر و نابرابرتر خواهد بود. بازار کار ایران، دیگر آن بازار سنتی کشاورز و پیشه‌ور و کاسب نیست. ما در میانه یک گذار هستیم؛ گذاری که اگر با سیاست‌های عدالت‌محور و آینده‌نگر همراه نشود، می‌تواند از فرصت، به بحران بدل شود. سؤالی که باقی می‌ماند این است: آیا حکمرانی ایران آماده شنیدن صدای این دگرگونی‌هاست؟

اقتصاد کلان

به نوشته «لایومینت»، به‌رغم تزلزل ریسک‌پذیری، بیت‌کوین پس از سقوط اولیه به ۲۴ هزار و ۴۲۰ دلار، به سرعت خود را احیا کرد و در ماه مه به رکورد ۱۱۲ هزار دلار رسید. این رقم رشدی ۴۹ درصدی را نسبت به کف آوریل نشان می‌دهد و به مراتب بیشتر از رشد ۱۲ درصدی طلا نسبت به کف دو هزار و ۵۶۵ دلار فلز زرد در همان ماه است. ساجدوا افزود: با توجه به عقب‌نشینی دلار در برابر ارزهای بزرگ، سرمایه‌گذاران به سمت ذخایر ارزش (کالا یا ارزهای قابل پس‌انداز) کمیاب و فاقد بازدهی مهاجرت کرده‌اند. هم طلا و هم بیت‌کوین از این مهاجرت سود بردند اما عمق بازار محدود بیت‌کوین بانوسانان قیمتی ناشی از ورود تدریجی سرمایه‌گذاران، زیاد می‌شود. علاوه بر این، عرضه بیت‌کوین به ۲۱ میلیون واحد محدود شده و در واقع روی این رقم ثابت است؛ موضوعی که آن‌را از گسترش ترانزامله‌ای که ارزش ارزهای فیات (پول سنتی اعم از اسکناس کاغذی و سکه فلزی) را کاهش می‌دهد، محافظت می‌کند.



یک رسانه عراقی از توافق بشار رسن با تراکتور خبر داد و اعلام کرد که این بازیکن به زودی راهی ترکیه می‌شود تا در اردوی تیم تیریزی شرکت کند. به نظر می‌رسد که بشار رسن بار دیگر در لیگ ایران به میدان خواهد رفت. رسانه «معرض الکوره» عراق از توافق بشار رسن با تراکتور قهرمان فصل قبل لیگ برتر فوتبال ایران خبر داد. این رسانه عراقی اعلام کرد که درآگان اسکوپچ سرمربی کروات تراکتور به بشار رسن علاقه دارد و از باشگاه خواسته است که او را جذب کند. طبق اعلام این سایت عراقی بشار رسن با پیشنهاد تراکتور موافقت کرده است و اکنون تنها بخشی از جزئیات مالی باقی مانده است تا این بازیکن رسماً تراکتوری شود و به اردوی تیم در ترکیه ملحق شود.

خارج از گود



دارد نقاط کور تیمش را شناسایی کرده و آن را تبدیل به نقطه قوت تیمش کند. این تیم هرچند با وجود ریکاردو آلوز و مهدی ترابی و مهاجم آماده‌ای چون امیرحسین حسین زاده تیمی خطرناک و تهاجمی نشان داده است اما به نظر می‌رسد انگیزه‌های بازیکنی چون آلوز که ساز جدایی کوک کرده بود، به حداقل رسیده و هافبک جدید این تیم نیز نیاز به زمان دارد. «تراکتور در فصل بیست و پنجم هفته‌های طاقت فرسایی را در پیش رو خواهد داشت».

مدعیان دیگر

البته بسیار زود است که درخصوص تیم‌های مدعی فصل آینده نظر داد. اما از مربع همیشگی قهرمانی که بگزیم باید حساب ویژه‌ای روی تیم فولاد خوزستان با هدایت مرد باتجربه ایران باز کرد. فولاد مرحله گذر از بحران را در فصل گذشته با موفقیت پشت سر گذاشته و حالا با تفکر صدرنشینی، پیش فصل را می‌گذرانند. آن طرف نیز باید برای گل‌گهر سیرجان و ذوب‌آهن اصفهان نیز شانس حضور در منطقه صدر جدول قائل شده و منتظر یک یا چند شگفتی نیز باشیم. تیم‌هایی چون ملوان بندرانزلی، خیبر خرم‌آباد، شمس آذر قزوین و مس رفسنجان با وجود فصل فاجعه باری که پشت سرگذاشتند با تغییرات ایجاد شده، ناشناخته و البته قدرتمندتر لیگ را آغاز خواهند کرد.

دورنمای لیگ

دورنمای لیگ می‌تواند امیدوارکننده‌تر نسبت به گذشته باشد. تغییرنسل غیرقابل انکار، ورود مربیان جوان، باتجربه شدن تعدادی از مربیان و اوضاع نسبتاً بهتر اقتصادی نشانه‌های روشنی است که اثرات آن را مسلماً در لیگ بیست و پنجم خواهیم دید. آنچه نسبت به گذشته تغییری نکرده، برنامه‌ریزی نه چندان موفق همراه با زیرساخت‌های ضعیف فوتبال ایران است. اما آنچه امیدها را همچنان زنده نگه داشته است، حرکت رو به جلویی است که با ورود جوانان آینده‌دار آغاز و با انگیزه مربیان جوان تدارک دیده شده و در نهایت در لابلای مسابقات لیگ ظهور خواهد نمود. در این بین نقش فدراسیون فوتبال در پیشبرد اهداف باشگاه‌ها بیشتر از هر چیزی موثر خواهد بود. افزایش سهمیه لیگ نخبگان و لیگ قهرمانان سطح دو آسیا مسلماً با تقویت نمایندگان ایران میسر خواهد شد و تقویت آنان در گروه داشتن لیگی قوی با حضور تیم‌های قوی‌تر است. در دو سه فصل گذشته آنچه از نمایش نمایندگان فوتبال ایران در آسیا استنباط شده، ضعف‌های پنهانی است که ریشه در مدیریت کلان فوتبال داشته اما راهکار مناسبی برای برون رفت آن اندیشیده نشده است.

«دنیای هوادار» در آستانه یک فصل پر تردید گزارش می‌دهد:

در سایه تغییر نسل

حسن صنعی‌پور

درحالی که قرار است بیست و پنجمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران روز بیست و هفتم مردادماه آغاز شود، اکثر باشگاه‌های حاضر در این لیگ، تمرینات خود را آغاز کرده و تعدادی از آنان نیز راهی اردوهای خارج از کشور شده‌اند، اما باید اعتراف کرد که لیگ پیش رو از چند جهت تفاوت‌های بسیاری با لیگ‌های گذشته داشته و با اوضاع و احوالی ناشناخته‌تر نسبت به چند فصل قبل استارت خواهد خورد. اگر به این نکته اعتقاد داشته باشیم که دو تیم بزرگ پایتخت نشین به همراه سپاهان و تراکتور، مدعیان اصلی قهرمانی هستند باید یک یا چند شگفتی را نیز درنظر داشته باشیم و برای تیم‌هایی چون گل‌گهر سیرجان، فولاد خوزستان و ذوب‌آهن اصفهان هم شانس قهرمانی و کسب سهمیه قائل شویم. با این حال در این شماره قصد داریم قبل از رونمایی از چهره اصلی تیم‌ها نگاهی به دورنمای لیگ بیندازیم:

تجربه خطرناک پرسپولیس

پرسپولیس بعد از سال‌ها ثبات در نیمکت و حتی لیست بازیکنانش، دچار تغییرات ناخواسته‌ای از ابتدای فصل گذشته شده و تعطیلات تابستانی خود را نیز با جابجایی‌های معناداری آغاز کرده است. در حقیقت باید گفت: قمرزپوشان پایتخت به تجربه‌ای خطرناک ورود کرده و باید بسیار هوشمندانه عمل کنند تا در همین فصل نخست در جمع مدعیان قهرمانی بمانند. پرواضح است که ایستادن در رتبه سوم لیگ برای تیمی که در هر حالت مدعی قهرمانی بود، رتبه‌ای نازل و غیرقابل قبول تلقی شده و شخصیت قهرمانی آنان را تا حدود زیادی زیر سوال برده است. با این حال سران پرسپولیس تصمیم گرفتند سکان هدایت خود را به دست مرد نام آشنا و البته کم تجربه‌ای بدهند که بی‌گمان انگیزه‌های متفاوت و پنهانی برای هدایت این تیم دارد. از طرفی جذب بازیکنانی چون امین کاظمیان، پیام نیازمند، رضا شکاری، مجتبی فخریان، محمدحسین صادقی و تیوی بیفوما و بازگشت محمد عمری، جوان اول فوتبال کشور چهره کاملاً جدیدی به پرسپولیس داده تا هواداران فوتبال کشور پرسپولیسی متفاوت را در فصل آینده ببینند. نکته ظریف در مورد پرسپولیس مدل هاشمیان نیز حضور جوانان و بازیکنان انگیزه‌داری چون یاسین سلمانی است که اگر بتوانند به سرعت در پازل تاکتیکی سرمربی قرار بگیرند، تیمی خطرناک را تشکیل خواهند داد.

ماموریت ناتمام استقلال

ریکاردو ساپینتو گفته است: به ایران برگشته تا ماموریت ناتمام خود را به پایان برساند. در این خصوص باید گفت: اگر ماموریت این سرمربی قهرمانی در لیگ برتر است، این موضوع قاعدتاً نباید چندان مطلوب هواداران این تیم باشد. «استقلال با حضور مجتبی جباری و مربیان بومی دیگر اگر دچار حواشی نشود نیز مدعی قهرمانی خواهد بود»؛ اما ماموریت ساپینتو چه می‌تواند باشد؟ کسب سه گانه؟ تبدیل استقلال به تیمی شکست‌ناپذیر و مدعی همیشگی قهرمانی؟ و یا راهیابی به لیگ نخبگان و

نقل وانتقالات در کما؛

بحران مدیریتی یا تاکتیک پنهان؟

علیرضا علی‌محمدی

در حالی که زمان زیادی از شروع فصل نقل‌وانتقالات تابستانی می‌گذرد، در شرایطی عجیب هنوز سه تیم لیگ برتری فعالیت خودشان را در این زمینه آغاز نکرده‌اند. در شرایطی که بازار نقل‌وانتقالات تابستانی لیگ برتر فوتبال ایران داغ شده و بیشتر تیم‌ها مشغول تقویت ترکیب خود هستند، سه تیم لیگ برتری به‌طرز عجیبی در سکوت کامل به سر می‌برند. سکوتی که با گذشت زمان، بیش از پیش نگران‌کننده و سؤال‌برانگیز شده است.

استقلال خوزستان، شمس‌آذر قزوین و مس رفسنجان سه تیمی هستند که تا این لحظه حتی یک بازیکن هم به فهرست‌شان اضافه نکرده‌اند.

سرمربی هست، خرید نیست!

دو تیم استقلال خوزستان و شمس‌آذر قزوین با وجود تعیین تکلیف روی نیمکت و معرفی سرمربی، تاکنون نتوانسته‌اند بازیکنی به خدمت بگیرند. درحالی‌که اکثر رقبا از روزهای ابتدایی نقل‌وانتقالات وارد عمل شده‌اند، سکوت این دو تیم آن‌هم با کادر فنی مشخص، تعجب کارشناسان و خشم هواداران را به همراه داشته است. سؤال اصلی اینجاست، آیا نبود منابع مالی، اختلاف‌نظر داخلی یا کم‌تحرکی مدیریت عامل این سکوت است؟ یا اینکه استراتژی پنهانی در کار است که قرار است در روزهای آخر همه را غافلگیر کند؟ هرچه هست، ادامه این وضعیت برای تیم‌هایی که به‌دنبال بقا در لیگ یا موفقیت هستند، می‌تواند فاجعه‌بار باشد.

مس رفسنجان؛ تیمی بی‌سکان‌دار در دریای طوفانی

در سوی دیگر، مس رفسنجان نه‌تنها در جذب بازیکن، بلکه در انتخاب سرمربی نیز بلا تکلیف است. این تیم پس از جدایی کادرفنی فصل گذشته، هنوز جانشینی برای نیمکت خود معرفی نکرده و عملاً هیچ اقدامی در نقل‌وانتقالات انجام نداده است.

در فوتبال حرفه‌ای، تأخیر در تصمیم‌گیری، بهای سنگینی دارد. عدم انتخاب سرمربی یعنی نبود برنامه تمرینی، نبود لیست ورودی و خروجی، و از همه مهم‌تر عقب‌ماندن از کورس رقابت در فصل آتی.

خطر عقب‌ماندن جدی است

در حالی که تیم‌هایی مانند سپاهان، پرسپولیس، گل‌گهر، آلومینیوم و تراکتور با جذب چند بازیکن سرشناس خود را برای فصل آینده تجهیز کرده‌اند، به نظر می‌رسد سه تیم فوق به هنوز استارت فصل جدید را نزده‌اند. این وضعیت در لیگ برتر، جایی برای توجیه باقی نمی‌گذارد. اگر روند فعلی ادامه یابد، این سه تیم نه‌تنها از نظر فنی، بلکه از لحاظ روانی نیز با ضعف جدی وارد فصل آینده خواهند شد و از همین حالا در موضع ضعف قرار می‌گیرند.





■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۵۱

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

پس لرزه های جنگ

رژیم اسرائیل پس از جنگ به روایت آمار

از آغاز طوفان الاقصی تا ژوئیه ۲۰۲۵



اعتراضات

بیش از **۶۵۰ هزار نفر** طی یک شب در تل آویو و شهرهای بزرگ تظاهرات داشتند

درخواست های مهاجرت در ۶ ماه گذشته **۲ برابر شده**

طبق نظرسنجی ها، **۵۸٪** مردم از عملکرد دولت شدیداً ناراضی اند



چالش های امنیتی

بیش از **۱۵ هزار موشک** به اسرائیل شلیک شد

بیش از **۳ هفته** خطوط هوایی بین المللی به تل آویو متوقف یا محدود شد



تاثیر بین المللی

۴ قطعنامه محکومیت در ۳ ماه

قطعنامه های مجمع عمومی

سازمان ملل و شورای حقوق بشر

علیه عملیات اسرائیل



کشته ها

حدود **۱۰۰۰** نظامی از زمان شروع جنگ جدید



آثار اقتصادی

بیش از **۲۰ میلیارد دلار**

هزینه جنگ

از **۳.۵٪** به **۶.۲٪**

رشد نرخ بیکاری

کسری بودجه به **۵.۵٪** تولید ناخالص داخلی رسیده

افزایش کسری بودجه

شاخص بورس طی جنگ اخیر **۱۲٪** افت کرد

رکود بورس تل آویو